

آموزش‌های انسان‌گرایانه در رمان "نامه‌های ایرانی" منتسکیو - شاهکار قرن (۱۸)

دکتر فاطمه عشقی*

تاریخ دریافت: ۸۸/۸/۱۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۹/۲

چکیده

در این پژوهش نکات اساسی گفتمان منتسکیو در رمان "نامه‌های ایرانی" در ۱۷۲۱ نشان داده شده است. او برای پیشبرد مقاصد اجتماعی و تربیتی، مقایسه‌ای بافضای فرهنگی ایران به منظور آگاهی انسان طبیعی متفکر به جای انسان پرورش یافته سطحی‌نگر قرن ۱۷ انجام داد. منتسکیو با تصور قضاوت خارجی‌ان شرفی درباره ساختار اجتماعی فرانسویان و در کل اروپاییان راهی گشود که واکنش‌های جهان بینانه‌اش میان نشانه‌ها و پدیده‌ها نه تنها خود او را

در نظریاتش با انتشار اثر فلسفی جاودانه "روح القوانین" ۱۷۴۵ که در ارتباط با این رمان شکل گرفته است، استوار کرد بلکه معاصرین او چون ولتر نیز تحت تأثیر همین مقاصد روشنگرایانه عقاید فلسفی خود را به منظور نفوذ در فرهنگ عامه انسجام بخشیدند. بدین صورت پژوهشها در انسانگرایی منطقی درباره فردیت و کنش آن در تربیت زنان، در مذهب و در سیاست با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی چون ماشین تکثیر در ادبیات بکار افتاد. قوانین تربیتی و اجتماعی وضع شده در پایان قرن هجدهم، دوران انقلاب، که یکی از پایه گذاران نش اوست، به همان صورت بنا بر خواسته روشنگران تحقق نیافت. کمبودها و برداشتهای اشتباه از کاوشهای فرهنگی و آموزشهای تشکل نیافته، انسانگرایی را به چالشهای دیگر فرهنگی کشاند، اما فصل تازه‌ای به عنوان انسان‌شناسی در قرن ۱۹ راه خود را گشود. تحقیقات در معرفت‌شناسی که از این دوره راه عقلانی پیدا کرد، همراه با نظریات جهان شمول ره سیصد ساله پیموده و هنوز هم در فراز و نشیب‌های وجودی و تربیتی، آن جستجوها ادامه دارد. اما شوق ایران‌شناسی از آن به بعد وارد مرحله جدیدی از تاریخ شد.

واژه‌های کلیدی: انسانگرایی، رمان ایرانی، فرانسویان، فرهنگ، اخلاق،

مذهب، سیاست .

مقدمه

هر دورانی انگاره و سامان دانایی خاص خود را دارد. اما قرن ۱۸ فرانسه شبکه‌یی از هویت‌ها و تفاوت‌هایی را تبلور بخشید که قرن سرنوشت ساز برای شناخت انسان شد (فوکو، ۱۳۷۸، ۵۳). نشانه‌های گفتمانی قرن ۱۸ در رمان "نامه‌های ایرانی" از توجه به آگاهی زنان در جامعه، اهمیت آموزشهای مذهبی، سیاست پارلمانی و شرکت مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، افق قرن روشنگری را متبلور ساخت.

از اوایل قرن ۱۸، رمان یکی از راهکارهای ادبی است که به جای تراژدی در تئاتر مقام اول را به قصد نفوذ در فرهنگ عامه بدست آورد. شارل لوئی دو منتسکیو بارون دولا^۱ برد (۱۶۸۹-۱۷۵۵) این گونه ادبی را با توجه به موقعیت اجتماعی خاص خود در ۱۷۲۱ گسترش داد. او می‌خواست بی‌دغدغه کمبودهای تربیتی-اجتماعی را به گوش خوانندگان با فرهنگ خود که مروج گردش دانش در جامعه سلسله مرتبه‌ای بودند برساند تا تکامل و پیشرفت در نهایت از دامن فرهیختگان بسوی مردم راه پیدا کند. امروز برخورد با بزرگسالان برای تشریح بهبود محیط زیست و خطرات آن بر روی کره زمین هنوز با وجود رسانه‌های جمعی دشوار است (Villemagne, c. 2005). ابداع رمان "نامه‌های ایرانی" را باید در همین راستا گذاشت.

در طول هشت سالی که دو سیاح در غرب می‌گذرانند، ۱۶۱ نامه با ۲۵ شخص رد و بدل می‌کنند در ضمن نامه‌ها درباره کشور خود و مطالب انسانی کشور میهمان، اظهار عقیده می‌نمایند. منتسکیو تحت تأثیر مکتب کلاسیک جدید می‌خواهد راهی برای ساختار نظامی فراهم سازد که برپایه روحیه انسان‌گرایی کلاسیک اما بنا بر مدارک موجود و تجربه تاریخی با تکیه بر حق فردی و ارتباط آن با قوانین جامعه و منطق جهانشمول، برعکس تحقیقات کلی اسطوره‌ای نشأت گرفته از دوران کلاسیک باستان، استوار باشد. این قسمتهای آموزشی نکات بسیار ظریفی از انسان‌گرایی را با مقایسه جامعه ایرانی در برابر جامعه فرانسوی به صورت استعاره، هجو و نقد که فرهنگ جا افتاده سالنهای ادبی بود، به زعم نویسنده که از جامعه اریستوکرات است مطرح می‌کند که زیر بنایی در حوزه قابلیت تفکر انسانی پی می‌افکند. منتسکیو با رد اعتقادات قرون وسطایی، درباره خود محوری فرانسویان و اروپاییان با برجسته جلوه دادن تمدن ایرانی در س موتنتی^۲ عالم قرن شانزدهم درباره وجود کثرت فرهنگ‌ها را می‌دهد و برای توجیه کمبودها، تأثیر آب و هوا و فلسفه نسبیت را اشاعه می‌دهد. در

1 . de la Brède
2 . Montaigne

واقع برای تفهیم کاستی‌ها مانند برقراری نظم برای رفع بحران اقتصادی عملی، اعتقاد به بها دادن و پرداختن به موضوعاتی موثر در راه تنزیه افکار فرانسویان که بر حسب زمان، جامعه‌ای است سنتی بر پایه خانواده و مذهب، در درجه اول قرار می‌دهد. او نوع گفتمانی خود درباره فرهنگ جامعه را از طریق تطبیق با فرهنگ دیگر به نوع رمان نشانه رفت که برای جلب نظر فرهنگ عامه به شکل "فرهنگستان" کاربردی‌تر بود.

در طرح‌ریزی، سعی بر آن است که نخست اهمیت موقعیت رمان "نامه‌های ایرانی" و خط مشی آموزشهای هشدار دهنده آن را منعکس کنیم، زیرا از آنجا سه بخش: تعلیم و تربیت زنان، فضای مذهبی و سیاسی به هم گره می‌خورند، تا احساسات و ضمیر درون فرد را تحت تأثیر قرار دهند و تربیت عموم برای احراز حق فردی در جامعه را واکنش نشان دهد. در این راه اثر نشانه‌های آموزشی منتسکیو این پیش‌تاز افکار جهان شمول، بر فیلسوفان هم عصر او چون ولتر نیز اشاره می‌شود. آنجا نقطه عطفی است که جوانترهای زمان مانند روسو، دیدرو و نویسندگان فرهنگستان پیامها را در ابعاد وسیع در بحبوحه انقلاب، هر کس بنا بر سبک دانش خود اما بر پایه همان نشانه‌های گفتمانی گسترش داده‌اند. گرچه تفکرات بخاطر گفتمان‌های مکتبی، تناقض‌ها و ابهامات و خطاها در شناخت فرهنگی بنحوی دیگر در میان فرهنگ عامه برداشت شد، اما پیامدها بصورت رهیافت، مسیر تجدد نوین را در آموزش فرهنگ توده تأمین کردند. ناگفته نماند که در این راه شناخت ایران نیز مشخصاً به عنوان کشوری با تاریخی باستانی، گرچه پرتناقض و محدود، هموار شد.

روش تحقیق

تطبیقی - مفهومی است؛ با استفاده از آموزشهای مکتب کلاسیک قدیم و جدید، اتفاقات سیاسی و مذهبی قرن ۱۷ فرانسه، مفهوم شناسی اخبار سفرنامه‌های قرن در مورد ایران و مقایسه‌های انجام گرفته بین شرق و غرب و مطالعه آثار الهام گرفته از

سیاحان می‌توان منشأ گفتمان انسان‌گرایانه این فیلسوف قانون را که اثر فلسفی‌اش بخاطر ساختار پریپیچ و خم و هزار توی آن یک معنی واحد ندارد و موضوعات اجتماعی، سیاسی، مذهبی زنجیره وار بهم متصل‌اند را روشن‌گری کرد. سعی بر آن بوده است که از تمام منابع بزبان فرانسه بهره گیریم، به همین دلیل هم ارجاعات و تفسیرهای مختلف از "نامه‌های ایرانی" در داخل متن از مخفف L.P. استفاده شده و برگردان آنها به مسئولیت نویسنده مقاله می‌باشد.

موقعیت رمان نامه‌های ایرانی

بین سالهای ۱۶۸۰ تا ۱۷۰۰ نا همگنی شگفتی سراسر فرانسه را در بر گرفت و با مرگ لوئی چهاردهم و نیابت سلطنت و باز گشت جامعه به رفتارهای سنتی و افزایش قدرت زمین‌داران و سیاست بازان، آغاز بحران را باید ثبت کرد.

مونتنی معتقد بود که: "یک مغز خوب شکل گرفته بهتر از یک مغز پر شده است" (Essai, 1558, LXV)، اما فلسفه انسان‌گرایی در قرن ۱۷ چون بر انسان نمادین بیشتر در نمایشنامه‌ها اعمال می‌شد شکست خورد. منتسکیو سی و دو ساله قاضی القضاات شهر بردو، بر آن شد انسان‌گرایی را به طبیعت فیزیکی، تاریخی، طبیعت خصوصی و احساسی قابل لمس در واقعیت زندگی داخلی که بحث درباره آن ممنوع بود، نزدیک کند. در واقع دلیل وبرهان وجود داشت: باید انسان از حقوق عقلانی خود در جامعه آگاه می‌شد. پس بهترین گزینه فرهنگی رمان و گنجاندن مسائل مربوطه در آن بود. این گونه ادبی، در اوایل قرن ۱۸ ناگهان موفقیت عجیبی از طریق همین "نامه‌ها" به صورت مشاجره قلمی چند موضوعی^۱ بدست آورد (Goldzink Jean , 1989: 105) و اولین وسیله برای برقراری ارتباط آسان بین روشنفکران و مردم بشمار آمد (Pierre

1 . polyphonie epistolaire

Barrière, 1974: 311). طریق ارتباطی آن اول سالنهای ادبی بود، در آنجا نویسندگان نوشته‌های خود را ارائه می‌دادند تا با پشتیبانی افراد پر نفوذ فرهنگی امکان انتشار در سطح جامعه را پیدا کنند.

بیشتر فلاسفه قرن بدنبال راهی بودند تا مقاصد تربیتی و انتقادات اجتماعی را از طریق مقایسه فرهنگی‌های دیگر به گوش خوانندگان برسانند. ایران بواسطه سفرنامه‌های پروتستانهای در خطر از جنگهای عقیدتی که به این خطه سفر کرده بودند به عنوان تمدن قدیمی‌اش شهرت پیدا کرده بود. از میان جهانگردان کسانی چون برنیه دوست لافونتن (Voyages....1670, 2 vol.)، (Tavernier, 1676) و شاردن (Chardin J. 1711, 10 vol) را باید نام برد. این جهانگرد پروتستان، باقوه تحلیل و دید انتقادی کم نظیر که علاقه او به شناسایی شرق و مشاهداتش را باید برجسته جلوه داد، منتسکیورا بسیار تحت تأثیر قرار داد (Lettres Persanes par P. Vernière, Garnier, en) (1975, IV: ۹۳). روی ۹۳ منبع شرقی ۳۸ نقل قول از سیاحت نامه شاردن گرفته شده است. (نامه ۷۲ منتسکیو از آنها یاد می‌کند) مضافاً به این که اولین سفیر ایران محمدرضا بیک در پاریس معروفیت زیادی به خاطر کنجکاوی پیدا کرده بود (نامه ۹۱ از سفر این سفیر و نامه ۳۰ حتی درباره رواج لباسهای ایرانی در مغازها می‌گوید). منتسکیو در ابتدای رمان می‌گوید: "آنچه مرا به تعجب وا می‌دارد، مشاهده ایرانیانی است که گاهی مثل خود من در زمینه آداب و رسوم و اخلاق کشورشان تعلیم یافته‌اند، تا جایی که می‌توان آنها را از روی این ویژگی از دیگران تشخیص داد". این ویژگی آنچنان است که مطمئنم آلمانی‌ها که از فرانسه دیدن می‌کنند چنین خصایصی ندارند." (Montesquieu, 1929 par Car casson T.1.6)، منتسکیو نظر خوانندگان خود را از این طریق به سوی شرقی با تمدنی مشابه با غرب جلب می‌کند. در هزار توی رمان مشاهدات ساده لوحانه را با هجو واستعاره در می‌آمیزد زیرا از بک و ریکا دو اشراف زاده ایرانی با اقامتی هشت ساله در پاریس از سرزمین و تمدنی دور به اروپا سفر می‌کنند و با دیدگاهی ظاهراً به خطا ساده لوحانه می‌توانند درباره اخلاقیات و شرایط

زندگی اجتماعی سفر خود به قضاوت بنشینند. در "مقدمه چاپ نخست" نامه‌های ایرانی، ۱۷۲۱ در آمستردام، بدون درج نام نویسنده". منتسکیو می‌گوید: نامه‌های ایرانی در میان انبوه آثار ادبی جهان جای گرفته و هیچ وزنه‌ایی نمی‌تواند با وجود تلخ گویی‌هایش آن را از میدان بیرون برد، حال بر کسی پوشیده نیست که نامه‌های ایرانی برای خواندن دلپذیر است همان طور که ایرانی بودن کم مایه نیست". باید به تک تک واژگانی که اینجا بکار می‌رود توجه داشت، در درجه اول مخفی کاری در اعلام نام نویسنده توجه را بر می‌انگیزد که محتوای ابن رمان چیست که هویت نویسنده پنهان است. در این "رمان" برداشته‌های شخصیت‌های ایرانی، طرفدار پیدا کرد بطوری که هرکجا ناشرین به مردم اهل قلم بر می‌خورند از آنها "دنباله نامه‌های ایرانی را طلب می‌کردند". البته بلافاصله پس از چاپ اول، نام نویسنده فاش شد و در ۱۷۲۸ کرسی فرهنگستان فرانسه را از آن خود کرد. در موفقیت منتسکیو همین بس که این رمان تا ۱۷۵۵ - پایان حیات او - ۲۹ بار تجدید چاپ شد و پرچمدار روشنگری فرزندان انقلاب بشمار آمد (Montesquieu, 1929: T.1.92).

در واقع هنررمان نویسی بیشتر نزدیک به سوی زندگی عادی اما همراه با اشکال روشنفکرانه درباره بکارگیری علوم و فلسفه در راه مذهب و سیاست و حتی شناخت فرد و احساسات باید جان می‌گرفت. چنین راه‌گشایی آسان نبود باید طریقی انتخاب می‌شد که تیغ محدودیت‌های اخلاقی که توسط کشیشان و مردان سیاسی اعمال می‌شد، کارگر نباشد؛ کنجکاو و عمومی می‌بایست به سوی شناخت فرد برای احقاق فلسفه انسان‌گرایی جلب شود. مشخصه جمعی این شناخت باید باتتبع بر موجودیت‌های اخلاقی نهادینه می‌شد. منتسکیو طبقه محروم را بیشتر زنان تشخیص داد و از این رو باب پژوهش جدا گانه در مورد این قشر را گشود و از آن زمان این تحقیقات باز نایستاد. (برای آگاهی از تأثیر گفتمان منتسکیو رجوع شود به دو شاهکار ولتر "تتبع بر اخلاقیات 1754, Essai sur les Moeurs, " و "حکایات 1775-1728, Les contes").

خلق "رمان شرقی" بخاطر شهرت ترجمه داستانهای هزارو یک شب می‌توانست مردم را بسوی خود جلب کند. بنابراین منتسکیو فضایی بارنگ ولعاب شرقی در درجه اول به وجود آورد، شرق چیست؟ در درجه اول یک سبک برای ثبت تاریخ‌های صوری نامه‌های فرستاده شده از ایران که برای دوشخصیت ایرانی داستان به پاریس ارسال می‌شود وبا تاریخ محرم الحرام شروع می‌شود سعی دارد آن را با تاریخ ماههای خورشیدی مسیحی وفق دهد. نامه اول را از تبریز در ۱۵ماه صفر ۱۷۱۱ به حرمسرایش می‌فرستد. سفر اصفهان به پاریس سیزده ماه ونیم طول می‌کشد و روی هم رفته دو ایرانی ۲۵ نامه با دوستان ویا حرمسرا رد و بدل می‌کنند. نامه‌های هجو آمیز و فلسفی ۱۲۲ مکاتبه‌ای است که خارج از شرق صورت می‌پذیرد. وجود حرمسرا غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد زیرا خود نماد یک جامعه بسته است، می‌توان به راحتی از افرادی که گرداننده این نوع محیط هستند، از احساسات سرکوب شده زنان، گفتمان چگونگی رفتاردر خانواده رانفوذ داد و سپس در رابطه با کارمفید و اقتصاد خانواده بحث شئونات انسانی را به میان آورد. بیهوده نیست که در قسمتهای میانی رمان (نامه ۲۴ تا ۱۴۶) موضوع حرمسرا منتفی است. چون این قسمت فقط یک شبکه گفتاری از کل اهداف هشدار دهنده به فرانسویان در طرح یک نظم اجتماعی است. اما در ۱۵ نامه پایانی رمان از نامه ۱۴۷ تا ۱۶۱ درام حرمسرا جای می‌گیرد که آن بخش نتیجه‌گیری است.

منتسکیو خردگراست، پس باید نشان دهد که تفاوت انسانی میان خود اشرافی حقوق دان مسیحی اروپایی با شرقی‌های مسلمان در جستجوی خرد غربی قایل نیست. این گفتمان معرفت شناسی (اپیستمه) نمایانگر روحیه روشنفکری ابتدای قرن است که کشش به سوی بی معنی جلوه دادن باور برتری اروپاییان، نسبت به مناطق دیگر جهان و یا حتی بخشهای مختلف جغرافیایی داخلی که منتسکیوی اهل بردو از آن رنج می‌برد (نامه ۱۳۲)، دارد. شرق همیشه در هر سه گروه مکاتبه‌ای ساکنین حرم (فضای التهابات)، فضای اعتقادات مذهبی، فضای نامه‌های سیاسی اجتماعی فلسفی دوستانه، حضور

ندارد. اما از یک شخصیت اول داستان در هر سه گروه صحنه نمایشی حاضر است چرا که هم اوست که هم حرمسرادار است و هم چون منتسکیو سخن می‌گوید. باید دید در لوای حرمسرا آموزش‌های فلسفی اخلاقی‌اش چگونه با مذهب و سیاست در فضای ایرانی، یا بهتر بگوییم فضای شرقی که کلاً اطلاعات از سفرنامه‌ها گرفته شده، می‌تواند با عقاید غربی این متفکر پیوند بخورد تا روشن‌گر بتواند نظام معرفتی خود را به زبان آورد و سخن از آن گوید که در کشورش کمبودهای قانون بالاخره به چه عاقبتی سوق پیدا خواهد کرد.

نقدتعلیم و تربیت یک سویه (درام حرمسرا)

نامه‌های مربوط به درام حرمسرا که از ابتدای رمان وجود دارد واکنشی است بر اثرات اخلاقی مستبدانه و زیان آن بر جامعه. از آنجایی که از دوران رنسانس در سفرنامه‌ها کشورهای شرقی نماد استبداد معرفی شده‌اند برای رسیدن به مقصود آزادی فردی، شرق باید در ترازوی قیاس با غرب قرار بگیرد زیرا منتسکیو بدنبال "جذب آموزش‌های جدی و فوری است" (Montesquieu, L.P. extraits de Michel Clément, ...) دیدگاه شرقی در طول مسیر سفر تحقیقی به خواننده معرفی می‌شود که چگونه می‌توان ایرانی بود. در این بخش شرق، افسانه ابهام آمیز بیشتر بر ساکنین حرمسرا متمرکز می‌شود. ارباب آنجا از یک، پرده بردار اسرار شرق و غرب، همراه دوستش ریکا برای آموختن علوم غربی (نامه ۹) از ایران رحل اقامت می‌کند، اما بی‌وقفه از دور سعی در ساکت نگهداشتن بی‌تأثیر صدای زنان به کمک تعداد زیادی از خواجه‌ها دارد، او به اولین خواجه سیاه حرمسرایش در اصفهان می‌نویسد: "تو نگهبان وفادار زیباترین زنان ایرانی... به آنها دستور بده، از آنها اطاعت کن، کورکورانه خواسته‌های آنها را اجرا کن، همانطور که قوانین حرمسرا را به آنها تحمیل می‌کنی" (نامه ۲). زنان باید چهار لا صورت خود را بپوشانند (نامه ۲۳) اما در اثر سرکشی در

مسیر مسجد روی خود را، با وجود خواجه‌گان که مراقب‌اند، باز می‌کنند (همان نامه). ازبک مستبد تحت تأثیر محیط و آب و هوای خشک، "زنان حرمش" را دوست ندارد و فقط بخاطر نوعی حسادت مرموز درونی، آنها را زندانی کرده است (نامه ۳۴، ۶). خواجه‌ها تا آنجا که می‌توانند در غیبت ارباب زنان را به وحشت می‌اندازند، در این جا تنها چیزی که وجود ندارد عشق است، عشق به شوهر، عشق به فرزند، فقط می‌دانیم در حرمسرا یک دختر هفت ساله دارد و در عرض نه سال، فقط یکبار زن اولش فاطمه به او نامه می‌نویسد. نمایش اخلاق استبدادی مرد شرقی غایب که به زنانش همواره درس فضیلت و پرهیزگاری می‌دهد. (نامه‌های ۶۲، ۷، ۲۶، ۳۴).

فضای دسیسه‌چینی حرمسرا با "کله‌ای از خواجه‌گان سیاه و سفید" (نامه ۱۵۶)، زندانیست که همه چیز در آن اسرار آمیز و مخوف بنظر می‌رسد. فقط فساد و تباهی، حسادت و رهنزی، توطئه‌های خطرناک و جنایت کارانه، هر چقدر خشم بالا می‌گیرد، عشق راه سقوط در پیش دارد. با وجود سخت‌گیری‌های جنایتکارانه، جلوی خیانت زنان را نمی‌توان گرفت (نامه ۱۵۷، ۷، ۴، ۱۵۸). خواجه‌ها با خلیقات و سواس گونه خشم و کینه، زاییده محرومیت‌های طبیعی دنیوی؛ استعاره‌ای است اخلاقی که نه تنها فضایش بلکه ساختارش می‌تواند در حکومت استبدادی توجیه شود. سه موضوع اخلاقی، مذهبی و سیاسی در یک رشته نه تنها رنگ و روغن رمان را جلوه می‌دهد بلکه می‌تواند فیلسوف را به تجزیه و تحلیل‌های اجتماعی‌اش و خطر تربیت سخت‌گیرانه دور از شناخت احساسی و فیزیکی نزدیک سازد.

ازبک که معلوم نیست شاهزاده و یا مرد درباری است، گرداننده و منعکس کننده افکار استبدادی جلوه پیدا می‌کند. قطعات نا متجانس طوری کم کم بهم وصل می‌شوند که در قلب رمان سوء ظن احساس می‌شود، چون نمی‌دانیم چه کسی مغلوب انتقام ازبک در قسمت پایانی رمان، بخاطر خودکشی سوگلی اورکسان است (نامه ۱۶۱). شخصیت‌های خلق شده که منتسکیو توسط آنان تفکرات فلسفی‌اش را طراحی می‌کند،

درون مایه‌های شرقی را با درون مایه‌های غربی تطبیق و ارتباط داده و گاهی هم تفکیک بوجود می‌آورد. از این جا همان مسئله سازی و هزار تویی، ماده آرمانی برخاسته از شخصیت افراد داستان لزوماً با ساختار و شیفته‌گی‌ها و نفع‌جویی افراد ارتباط پیدا می‌کند. آرمان در بوته افسانه‌ای پرانرژی و درام شده به سبک روزنگار. بنابراین هر چه صحنه ایده‌ها فراز و نشیب بیشتر داشته باشد بیشتر رابطه با حوادث استعاره‌ای اجتماعی با ارزش می‌شود. منتسکیو به روشنی برای نمایش فضیلت مدنی و دستیابی به خوشبختی به یک سری درسهای تاریخی واقعی اما نا موفق که باعث فروپاشی جوامع شده است، متوسل می‌شود. برای منتسکیو فضیلت وجودی زنانه با بند و بست نیست که محفوظ می‌ماند بلکه با آموزش و تعلیم و تربیت است که از بین نمی‌رود (نامه ۲۶).

کم کم که از قسمتهای معرفی شخصیت‌های رمان و سفارش‌های آنان از طریق نامه به حرمسرا و دوستانشان رد می‌شویم در نامه‌های ارسالی از پاریس خواننده در تنگنا قرار می‌گیرد، متوجه می‌شود که نکات تحلیلی در رابطه با خصوصیات اخلاقی شرقی با ظرافت به مقایسه با ویژه‌گی‌های غربی قرار گرفته است. فیلسوف دو ردیف مضمون مهم در بوته مشاهدات دارد، سری درام شرقی که از آن درس بی‌نظمی در طبیعت انسانی در اثر منع معاشرت و سرانجام محدودیت به مشام می‌رسد و سری غرب هجو - فلسفی، که در آن زنان فرانسه مورد انتقادند، همانهایی که معاشرت آزاد دارند ولی بی‌محتوا ظاهر بین و بوالهوسند. "هدف آنان ورشکسته کردن شوهران است و برای این کار در تمام سالهای زندگی وسایل کاملی دارند: در جوانی مد پرستی و تجمل دوستی در میانسالی عشوه‌گری و خودآرایی و در پیری قمار و شب نشینی." (نامه ۵۶).

از یک دو طبیعت کاملاً متفاوت را با رخنه کردن به خانه دیگران برای بهم زدن عقایدشان بیان می‌کند. آنها را به تعجب می‌اندازد برای آنچه انجام می‌دهند. با ۴۵ نامه درباره حرمسرا از ۱۶۱ نامه، زنان در قلب گفتمان تربیتی قرار دارند. از یک مرد مسلمان

سنتی که تا پایان داستان وفادار به اعتقاداتش می‌ماند در رابطه با زنان حرمسرایش بی‌رحمانه رفتار می‌کند. از آنان دور اما توقع وفاداری دارد، همچون مردان فرانسوی که خیانت پیشه کرده‌اند و زنان خود را آزاد رها کرده‌اند (نامه ۵۵). اینجاست که اخلاق در خانواده زیر سؤال می‌رود (Geffriaud-Rosso, 1978, 278).

در واقع بسیاری از اوقات پیام متسکیو مراحل مختلف دارد، مرحله ایجاد تصویر بدیع از شرق، قیاس بین شرق و غرب و بعد شناخت طبیعت انسانی در رابطه با کمبودهای فرهنگی برای هشپاری خواننده. اگر زنان فرانسوی این طور آزادند آن هم بخاطر بی‌حرمتی "از بی توجهی" مردان نسبت به همسران است (نامه ۵۵). او در حال ویروس زدایی اخلاقی جامعه است. از قول فیلسوفی؟ می‌گوید: "طبیعت هرگز قانون مستبدانه در مورد زنان دیکته نکرده است، امپراطوری ما بر آنان بخاطر لطافت و در نتیجه انسانیت و منطق بیشتر که به آنان ارجحیت می‌دهد" بوده است و به دستور پیغمبر اسلام اشاره می‌کند که بر احترام متقابل تأکید کرده است (نامه ۳۸). پس تاریخ در این رمان در خدمت دانایی و فلسفه است. در ظاهر فضای حرمسرا برای فضا سازی ساخته شده است حال آن که تحلیل روانشناختی تبعی است بر اثر بخل و حسادت در اخلاق و شخصیت آنانی که در اثر محدودیت روحی، فضای خفقان و محدودیت و یا بالعکس زیاده روی غریزی را بکار می‌گیرند، حال می‌خواهد در شرق بطور رسمی یا در غرب بطور غیررسمی باشد در هر صورت مرگ رکسان نقطه کور زنگ خطر است. در هر دو منطقه مذهب و سیاست می‌تواند این خلیات مطرود که راههای تربیت را بر پیشرفت می‌بندد از طریق وضع قوانین بر طبق ارزشهای طبیعت انسانی با در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی که گالین در دوران باستان بر اثر آن بر اخلاقیات اعتقاد داشت راه را هموار کند. این صحنه سازی‌ها همه بخاطر جلب افکار خوانندگان به منظور آموزش افکار انسان گرایانه، در درس فضیلت و شیفتگی مفید، تفوق در اجتماعی شدن، عشق به هم‌نوع و تنفر از نابردباری، نقد از صلح‌جویی غربت زده است، تا احساس مسئولیت مردان با فرهنگ جامعه را به واکنش وادار سازد.

فضای اعتقادات مذهبی

جامعه مسیحی از ابتدای قرن ۱۸ از هم پاشیده بود. کلیسای کاتولیک بصورت هدف نهایی مورد نقد روشنگران درآمد و تمام کوشش فلاسفه در امتیاز قائل شدن به مذاهبی بود که از طرف کاتولیکها مورد تعرض و آزار قرار گرفته بودند. (Marie Hélène Chopard, 1999, 229) پس نقطه ضعف‌های درسهای مروجین مسیحی را در موضوع ترک لذت‌های دنیوی به نقد کشیدند.

ایران در خط آرمانی مذهبی، تشیع مورد ستایش قرار دارد زیرا در ایران تمام مذاهب با هم در آرامش زندگی می‌کنند (نامه ۸۵ و ۲۹) و بر طبق دستور حضرت محمد(ص) حتی ملایان ازدواج می‌کنند و طلاق هم بر طبق قوانین اسلامی اعمال می‌شود، قانونی که جلوگیری از فساد اخلاقی می‌کند (نامه ۱۱۴). نکات اساسی که باید با زیرکی به آن‌ها توجه کرد، چون خط اول ملاحظات نویسنده، اختلافات مذهبی بخصوص بین کاتولیک و پرتستان است. در ایران پیروان زردشت و موسی و عیسی در کنار مسلمانان شیعه و سنی با آرامش زندگی می‌کنند و هیچ کدام به حقوق دیگری دست‌اندازی نمی‌کنند. آرزو می‌کند که ای کاش مسیحیان این چنین رفتاری داشتند. از یک شروع به مقایسه ادیان می‌کند و اصول آنان را در دوستی به یکدیگر برای جلب رضایت پروردگار می‌بیند. نتیجه می‌گیرد که اگر خداوند بندگان را دوست نمی‌داشت برای آنان دین نمی‌آورد، پس ما نباید برای بحثهای بیهوده "همنوعان خود را بدریم" در حالی که هیچ اختلاف اساسی نداریم (نامه ۶۰). از یک پس از شرح و تفسیر در فلسفه قرابت ادیان چنان هیجان زده می‌شود که شعار می‌دهد: "دین واقعی محمد(ص) در سراسر گیتی گسترده است (نامه ۳۵). ازدواج پیشوایان دین در اسلام به نظر او بسیار پسندیده می‌آید و منع ازدواج کشیشان را عاملی باز دارنده برای تولید مثل می‌داند که باعث فقدان جمعیت شده و درجه فساد را بالا می‌برد و اضمحلال اقتصادی را فراهم می‌کند. "منع طلاق تنها دلیل کمبود جمعیت در کشورهای کاتولیک نیست بلکه

همچنین وجود تعداد زیاد خواجه‌ها... از درویشان و کشیشان زن و مرد بین ما [فرانسویان] است". اگر زنان در شرق سر کشند با وجود آن همه خواجه‌های بی‌رحم، تنها اثر روحی سخت‌گیری‌های سنتی مذهبی است. اما زنان فرانسوی هم که آزادند باز بخاطر عدم وجود طلاق و اثر فساد برانگیز آن بر اخلاقیات که شاخص مهم آن حسادت است، جامعه فرانسه را نیز تهی از روابط عادی انسانی کرده است. (نامه‌های ۹۹، ۵۲، ۵۵).

دو ایرانی ازبک و ریکا که در پاریس برای سیراب کردن کنجکاو‌های خود در جستجوی عقل و سیرت (نامه ۲ تا ۹) تحقیق می‌کنند، همچون منتسکیو بر له راویان مسیحی که برحسب سنت بر جای مانده از جنگهای صلیبی، ضد اسلام تبلیغ می‌کردند برمی‌خیزند. منتسکیو برای طبیعی جلوه دادن آموزش‌هایش ابتدا داستان اجتماعی - سیاسی آرمانی تروگلودیت‌ها^۱ "طایفه‌ای از اعراب" را پیش می‌کشد. جمهوری‌ای که بر پایه عدالت و انصاف، همکاری چند جانبه، تجارت منصفانه، انسانیت و عدالت و عشق به خانواده بنا شده بود. در اینجا انعکاس دیدگاه غربی‌هانسبت به تمدن ساکنین سر زمین‌های تازه کشف شده آمریکا مشهود است (نامه ۱۱ تا ۱۴) که بیشتر به آرمانهای فنلون^۲ در (ماجراهای تلماک ۱۶۹۹) شباهت دارد تا در آن فصل مهم فلسفی نسبت برای برقراری حقوق شهروندی و از آنجا مسئله تسامح و بردباری را به رشته تحریر در می‌آورد:

"خوشبخت سرزمینی که توسط فرزندان پیغمبران بنا شده است. در این کشورهای مثل آلمان و فرانسه بزرگان دین نیستند که تصمیم گیرنده‌اند، بلکه یک عده که خود را متخصص دین قلمداد می‌کنند با ایجاد اختلاف بین (کاتولیک و پروتستان) و حتی گاهی بیشتر، دشمنی و جنگ داخلی پیا کرده‌اند. تازه اینجا خوب است، شنیده‌ام در اسپانیا و پرتغال، آدم را مثل کاه به آتش می‌کشند" (نامه ۲۹).

1. Troglodite

2. Fenelon

در این حالت است که منتسکیو در دفاع از مذهب، بدون توسل به زور می‌تواند احساس مسامحه شرقی را بالا برد (۱۹). "اسلام برای دفاع از خود هرگز به جبر و قهر نیاز نداشته است" (نامه ۶۸ و ۶۹) منتسکیو مشکلات اجتماعی را در رابطه با بی‌توجهی بر تأثیر اخلاقی آن بیان می‌کند، بدین ترتیب که احساسات مذهبی باید شکل اجتماعی داشته باشد، مسیحی خوب یاید شهروند خوبی باشد وی ایده آل مذهبی و سیاسی را در هم می‌آمیزد.

در سرزمین خیالی توروگلودیت‌ها ابتدا گروهی از آنان همچون انسانهای اولیه می‌زیستند، جنگجویان بی‌فضیلت خودخواه که در کنترل دسته دوم قرار گرفتند، آنها معتقد به اخلاق طبیعی، دور از آزار به هم نوع، با حفظ شرافت انسانی و عدالت، راه کمک به خلق را سر لوحه رفتار انسانی قرار دادند و از طریق کسب فضیلت خوشبخت زندگی کردند، بهمین دلیل هم از یک به زنانش شرافت اخلاقی را سفارش می‌کند (نامه ۲۶) زیرا بدون آن آزادی بی‌معنی است. اینجا نیز شرق و به طور اخص ایران یک واحد گفتاری در سبک کلاسیک جدید محسوب می‌شود که نماینده و معرف آن شخصیت و گفتار از یک است. در دو مورد از یک درباره مذهب اسلام و اخلاقیات تا پایان داستان وفادار به اصول شرقی باقی می‌ماند، ولی در مورد سیاست به اصول فلسفه جدید غرب برای کسب آزادی افکار و دموکراسی پارلمانی می‌گراید.

متضمن سعادت جامعه توروگلودیت‌ها، بر اساس مقاصد فیلسوف، قانون است، باید برای برقراری جامعه معنوی، انسان را از طرق طبیعت روانشناختی، طبیعت زندگی فردی درونی، جغرافیا و تاریخ بطور ملموس شناخت. این بخش مرز بین اهداف فیلسوف و روایت یک داستان است. همان بخشی است که دو شخصیت متفاوت از یک را جهت می‌دهد دو موضوع حرمسرا و مذهب تحت الشعاع مدیریت جامعه قرار می‌گیرد و به هم می‌پیچد تا نتیجه‌گیری کلی از آن حاصل شود. جامعه بر پایه خرد را باید دارو بخشید. درسی که منتسکیو از طریق توروگلودیت‌ها و گاهی هم زردشتیان (نامه ۸۵)

آموزش می‌دهد و در ساختار رمان، ایرانیان را به سفر و مشاهده و قیاس به صحنه می‌آورد.

ازبک که منتسکیو سعی بر بها دادن به شخصیتش دارد بخصوص از نامه ۸۰ به بعد شروع به تجزیه و تحلیل اخلاق حرمسرا می‌کند "اخلاقیات ماهمه یک شکل است برای این که اجبار در کاراست. اشخاص را آن طور که هستند نمی‌بینیم بلکه آن طور که اجبارمان می‌کنند می‌بینیم، در این بردگی قلبی و فکری فقط یک زبان وجود دارد و آن هم ترس است حال آن که در طبیعت واقعی، گفتار بسیار متفاوت هست" (نامه‌های ۱۲۲، ۱۱۲، ۶۳). در حقیقت حرمسرا که منتسکیو آن را با قفل و زنجیر قلمداد می‌کند (نامه ۳ و ۴۷) نه تنها بخش شکل دهنده به رمان افسانه‌ای است، بلکه قسمت مهمتر، مبحثی است که گویای بی‌نظمی در فضای بسته و تأثیر اخلاقیات آن بر جامعه و در نتیجه بر اوضاعی است که جبراً منعکس کننده جامعه استبدادی است. در آنجا اصول ترس ضعیف از قوی ضدیت را بوجود می‌آورد و از آنجا بوالهوسی و دروغ‌گویی حکمفرما می‌شود. ترس استبدادی، اجتماعی شدن را ویران می‌کند. فرد را گوشه نشین و او را در چارچوب شهوانی حرمسرا فرو می‌برد "چه می‌توان انتظار داشت از آموزشی که تنها افتخارش آن است که زنان را در بدبختی نگهدارد و افتخارش در این زشت‌ترین کار میان انسانها باشد" (نامه ۳۴).

این افسانه ساختار متنی اش، بدلیل چند بعدی بودن گفتاری‌اش، یک معنی واحد ندارد، مقاصد فلسفی را همراه اخبار تاریخی و عادات اجتماعی درجا تغذیه می‌دهد. گناه ازبک کجاست؟ آنجا که در شخصیتش کمبود خرد است. حرمسرا ماشین جهنمی است که عشق را می‌کاهد و حسادت و خشم را بالا می‌برد و از آنجا تمام شیفتگی‌ها یکسر پایمال می‌شود. اگر هجو و مزاح را بدین طریق با فضا سازی شرقی شکل دهیم: خلق سرزمینی چون حرمسرا با قوانین مستبدانه سرچشمه گرفته از تفکرات خشک مذهبی است که اثر آن بر اداره جامعه استبدادی خودنمایی می‌کند.

فضای سیاسی (حکومت استبدادی)

"نامه‌های ایرانی" از انسجام سیاسی بالا نیز برخوردار است. در شرق "قواعد سیاسی همه جا یکی است... شاه خود قانون است... و کوچکترین برخورد به انقلاب منتهی می‌شود... گردانندگان همان اندازه بی‌خبرند که آنهایی رنج می‌برند..." حکومت انسانی آن است که برطبق قوانین وضع شده‌ای باشد که اخلاقیات و خواسته مردم را تأمین کند و گرنه ملت از تنبیهات سخت همان قدر در شرق رنج می‌کشد که از تنبیهات سبکتر در غرب" (نامه ۳۳). شاه عباس نمونه پادشاه مستبد اما روشن ضمیر در مماشات با اقلیتها توانست تسامح را ترویج دهد (نامه ۸۵). تتبع بر اخلاقیات از ولتر (Essai sur les mœurs)، دیدرو دایره المعارف (L'Encyclopédie): مقاله پرس (Perse).

منتسکیو فقط ۲۶ سال داشت زمانی که لویی ۱۴ چشم از دنیا فروبست "شاهی که آنقدر طولانی زندگی کرد، دیگر در عدم نیست، او که در زمان حیاتش آنقدر از همه حرف کشید، حال همه در مرگش سکوت اختیار کرده‌اند" (نامه ۹۲). سالهای آخر عمر لویی سلطنت استبدادی در میان طبقه اشراف و زمین‌داران تقویت شد. تاریخ نویس این دوره سن سیمون مسئولیت آن را بر شانه پروتستان‌ها (نامه ۱۱۷) افکند، حال آن که دوک داورلئان برادر شاه که بر خلاف خواسته شاه دوره نیابت سلطنت از ۱۷۱۵ تا ۱۷۲۰، (نامه ۵۴) را به عهده داشت از طرف اشراف زاده‌گان بلند مرتبه حمایت می‌شد و سیاستی کمتر سکولار (کم رنگ از خواسته‌های بورژوازی و نویسندگان و مردم) و بیشتر سنتی پیاده کرد. این تغییر با فرار و زیر داریی لاو خروج ثروت و فساد سیاسی و اخلاقی در شکل‌گیری افکار سیاسی منتسکیو و انعکاس آن در نامه‌های ایرانی بارز است. دیدگاه جدید انتقادی فلاسفه قرن از اوضاع سیاسی فرانسه از اینجا سرچشمه می‌گیرد: استبداد شرق و قیاس آن در یک کفه ترازو با استبداد غرب.

از ۱۶۱ نامه دست کم ۶۲ نامه به موضوع سیاسی اختصاص داده شده است (Ehrard, 1972, 37). برای تحلیل این نامه‌ها باید با دیدی آگاهانه، با عبور از مسیر پریپیچ و خم قسمتهای در هم فشرده مزاح، خیانت، جنایت، فریادهای یأس و ناامیدی، به قسمتهای مدیریتی شرق و غرب، راه یافت تا درسهای نصیحت گونه اما منسجم و خردمندانه را دریابیم. در واقع علت و معلولهای جنجال برانگیز که کتاب بر چارچوب آنها نهادینه شده است طوری مهندسی شده است که صیانت دانش و آگاهی به سوی افقی شفاف از عقاید پیشرو رهنمون شود. بی‌جهت نیست که "نامه‌های ایرانی" طلایه‌دار عصر روشنگری "الهام بخش تفکرنوین" بر طبق اظهار نظر دالامبر در دایره‌المعارف ۱۷۸۱ (جلد ۵) شناخته شد و از آن زمان تا به حال هم بحث در مورد این رمان ادامه دارد. (Goldzink Jean, 2001).

از نامه ۱۹ تا ۱۴۶ اگر از یک واسطه میان حقوق، عدالت و تثبیت وضع جمعیت است، تأکید او بر محکومیت استبدادی. در چارچوب مقاصد عدالت خواهی است که در سالهای بعد، بصورت نظریه در روح القوانین، قوام می‌گیرد.

منتسکیو پس از مقایسه دو رژیم استبدادی شاهی در ایران و فرانسه به نقد قدرت می‌پردازد. وقتی قدرت معنوی و مدنی در دست یک نفر که در رأس آن ارتش قرار دارد، باشد با آموزشهای خرافاتی تمام تعادل در پهنه زندگی مدنی و اقتصادی تزلزل پیدا می‌کند (نامه‌های ۱۰۲، ۸۹، ۸۰). در فرانسه شاه همان سیاست شرقی را اعمال می‌کند (نامه ۳۷) "پادشاه جادوگر بزرگی است... مردم را مجبور می‌کند آن طور که او می‌خواهد فکر کنند اگر می‌خواهد جنگی راه بیندازد به آنها تفهیم می‌کند که یک ورق کاغذ ارزش پولی دارد... حتی به آنها فهمانده است که با نوازش آنها معالجه‌شان می‌کند". نقد بر رژیم سلطنتی مطلق است که قدرت در دست یک نفر و موروثی است و مردم را به خرافات برای مقاصد منفعت جویانه سوق می‌دهد: پادشاه و پاپ هر دو تشنه قدرت، اما شاه معتقد به پاپ، ولی پاپ در جستجوی بالا بردن قدرت خود از

طریق نفی اعتقادات دیگران و از آنجا عامل بر پای ج‌دال حتی بین ژژوئیت و ژانسنیست دو شاخه فکری در فلسفه کاتولیک است (نامه‌های، ۱۳۱، ۱۳۴).

بدین ترتیب غرب محل تشنجات و تحریکات و برخورد عقاید و ضد و نقیض گویی‌ها است. مضمون تضاد برای اولین بار برملا کننده حقوق حقه مردم هدف نویسنده قرار می‌گیرد، همان طور که شاهزاده‌گان حقوق اجتماعی و حقوق بین‌المللی و مذهبیون حقوق شرعی و حقوق الهی را به مبارزه می‌گیرند (نامه ۹۴). "عیسی را پیشوای بینوایان می‌دانند ولی خود برای اندوختن زروسیم از هیچ گناهی روی نمی‌گردانند" مردم به خیال آنها همگی بد و فاسدند و از خداوند آن طور که باید اطاعت نمی‌کنند (نامه ۸۳). روی واقعی نامه‌ها را استروبینسکی (Strobinsky, 1958) بیشتر در این قسمت، نقد قدرت مطلق می‌بیند. منتسکیو با مطالعه سیاست و با تطابق انسان با اخلاقیات طبیعی، تیغه نامریی سیاست را در ضدیت با کشورگشایی بکار می‌گیرد. دو نامه نارگم درباره روسیه (نامه ۵۱) و تاتارها که این "قوم در زمان خود حتی رم را فتح کردند اما از آنها چه ماند؟ گویی اصلاً از درسهای گذشته برای آینده خود هیچ درسی نگرفتند" (نامه ۸۱)، نقطه نظر منتسکیو درباره محکومیت سیاست زور را نشان می‌دهد. از همین جا، رشید هم در (نامه ۱۳۱) مأموریت پیدا می‌کند تا تاریخچه جمهوری‌ها را که از یونان شروع می‌شود و تا ایتالیا و طایفه گل (فرانسه کنونی) ادامه پیدا می‌کند و بعد بدست سزار از بین می‌رود را تفسیر کند: نمی‌بینم که در عثمانی، ایران و حکومت مغولها عدالت و انصاف از جمهوری‌های هلند، ونیز و یا حتی انگلستان بیشتر رعایت شده باشد، در نتیجه ارتکاب جنایت هم آنجا کمتر باشد و نمی‌بینم که افراد بدلیل تنبیه‌های شدید، از قوانین بیشتر پیروی کنند" (نامه ۸۰).

اثر رژیم مطلقه بر اخلاقیات را در تحلیل تاریخ جهانی در لابلای نامه‌های ۱۳۱ تا ۱۳۷ روشن‌گری می‌کند. ابتدا از ناآگاهی مردم آسیا از "جمهوری" خبر می‌دهد "اما تأکید او بر اجتناب از خرافات امثال دل بستگی ایرانیان بر رمل و اسطرلاب و

فرانسویان بر واهی گرایی است. پادشاه با تردستی و به نفع خود قدرتی مافوق طبیعی از خود می‌سازد تا مردم را در تحمیق فرو برد. او معتقد است که در دوران باستان "عشق به آزادی و تنفر از شاهان، یونانیان را استقلال بخشید" و جمهوری در بسیاری از کشورها گسترده شد، اما بعداً چون به واهیات و خرافات پرداختند، استبداد بر آنجا غلبه کرد.

منتسکیو اینجا نظرخواننده را به دو موقعیت متفاوت در شرق و غرب جلب می‌کند. در شرق تهاجم سیاسی - آرامش مذهبی و در غرب میانه روی سیاسی - تهاجم مذهبی. در دو حکومت استبدادی، پادشاه هیچ تغییری را نمی‌پذیرد، پس تاریخ تغییر ناپذیر و منطق گوناگونی ندارد. مخالفین چاره‌ای جز کشتار پادشاه ندارند و کسی مانند او را به قدرت می‌رسانند (نامه ۱۰۳، ۸۰). رژیم ترس قادر به تغییر و تحول انتقادات خود نیست و مسیر سرکوب را توسط داروی خشونت و سخت‌گیری‌های بی‌نهایت در قوانین که به هیچ وجه ضمانتی برای اجرای مرتب آن نیست در پیش می‌گیرد». (نامه ۸۰) سرکوب‌گری استبدادی حتی تصور می‌کند که روی مفروضات می‌تواند بازی کند. اروپا عظمت و بزرگی را بکار گیرد (نامه ۸۹) مستبد، ترس از تنبیه یا امید به پاداش را اشاعه می‌دهد. "شاهزاده که خود قانون است، کمتر بر اوضاع تسلط دارد (نامه ۱۰۲، ۸۰) از اینجا ویرانی اقتصادی، افول ارتش، سکون پیشرفت فنی و علمی بوجود می‌آید (نامه ۱۹). در سیاست لاو "داروی خشونت (نامه ۱۳۸)، میل به کار و شادی زندگی از بین می‌رود و مردم مجذوب کسب مقامات مذبحخانه‌اند" این شیفتگی عمومی که ملت فرانسه برای افتخار قائل است... او را به سرمنزله دوئل کشانده است... برای حتی مشاجره کوچکی، ندگیش را به خطر می‌اندازد. ز طرفی هم دادگستری بخاطر همین دفاع از آبرو بدترین مجازات را برای شخص مدافع در نظر می‌گیرد". در آن واحد نقدی نیز بر تناقض سنت با قوانین وضع شده که گاهی مرگ به همراه دارد را مطرح می‌کند. در شرق هم "خانواده‌هایی را می‌بینیم که از پدر به پسر هرگز نخندیده‌اند از موقعی که رژیم سلطنتی تاسیس شده است» (نامه ۳۴). این

نارساییها رامی‌توان تو سطر اشاعه آزادی، تسامح و آرمانهای منطبق با طبیعت انسان رفع کنیم.

منتسکیو بعد از خلق فضای شرقی، آرمان فلسفی‌اش را در بُعدی دیگر اما در رابطه با دو موضوع اولی بیان می‌کند، او جرأت می‌کند اعلام دارد که نظم سیاسی با قواعد اجتماعی و انجام تکالیف اجتماعی به مذاق خداوند سازگارتر است (نامه ۴۶)، واژه فضیلت که یکی از واژگان کلیدی روشنگران قرن ۱۸ است بارها برای برجسته جلوه دادن اخلاق مردم ترولوگودیت تکرار می‌شود. آنها اینارگر متحد منادی نفع جمع (مکتب آلتوریسم)، حافظ قوانین اجتماعی و عدالت و معتقد بر ارجحیت دیگری بر نفع شخصی هستند. منتسکیو خود جدا دانستن از دیگری را سر منشأ اضمحلال می‌داند، همان طور که روسو آن را در قراردادهای اجتماعی ۱۷۶۲ اشاعه می‌دهد. از این رو شخصیت گبرها (نامه ۶۷) و ترولوگودیت‌های با ایمان، خالی از هرگونه عقده خود بزرگ‌بینی، نماد قرار می‌گیرد. آنها هر تفاوتی را می‌پذیرند و به قوانین جامعه احترام می‌گذارند. این محفوظات، واکنش مردی است که اخلاق و اثر آن بر جامعه را یک جاتحقیق می‌کند و از این طریق فضیلت اجتماعی و سعادت مردم که باید اساس سیاست و قدرت پادشاه قرار گیرد را اشاعه می‌دهد.

در بسط زندگی ترولوگودیت‌ها، آلتوسر او را "بانی علوم سیاسی معرفی می‌کند (Altusser L., 1974: 2) زیرا با معرفی ترولوگودیت‌ها تفکیک سه قوه را گرچه هنوز پراکنده ولی آموزش می‌دهد تا بعداً در روح القوانين به تفصیل از تفکیک جزئی و قانونی سخن گوید (Montesquieu, Esprit des lois, 1973 livre 11, chap 11). با تأکید بر ایجاد نظم بر پایه اعمال قوانین بر حسب وضع جغرافیایی اعلام می‌کند که: "همه چیز نسبی است و همین واقعیت مطلق است". این درسی است که منتسکیو برای اولین بار از طریق داستان ترولوگودیت و تحمل دید دو ایرانی در میان فرانسویان قرن روشنگری (Montesquieu, L.P. Intro. G. Gusdorf, 1972, 17) ارائه می‌دهد.

گرچه ایده آل او نظم دوران باستان است، شاه همچون پدری وظیفه سرپرست خانواده را دارد و بر حفظ امتیازات طبقاتی اشرافیت تأکید دارد (نامه ۱۰۲)، و طرفدار مجازات برای خطاهاست (نامه ۹۵). اما انسان‌گرایی است در جستجوی آشتی انسان با جامعه، او قصد دارد به استعدادها قلب و به تفکر نقش اجتماعی دهد. قصد انقلاب ندارد ولی سرشت آن را با بازگشت به اصل حفظ می‌کند. تفکری که به خاطر کم رنگ بودن احساسی‌اش حتی در روح القوانین، توسط ولتر و لئو هولوسوس از آن انتقاد شد (Montesquieu, Ibid., 337). ولتر برخاسته از طبقه بورژوا در اعتراض به تفکر میانه رو و اریستوکراتیک منتسکیو هرجا موقعیت پیدا کرد در صدد هجو شخصی رژیم سلطنت وابسته به قوانین الهی بر آمد، حتی به زندان رفت اما از سزاواری ادامه تحقیق در مکتب انسان‌گرایی با دید انتقادی و با شعار "منطق را از خطاها جدا کنید" (کاندید) دست برد نداشت. روسو انسان‌گرایی‌اش بر آموزش قلبی و تجربه برخویشتن خویش است، سرشت انسان خوب است اما این جوامع هستند که او را به اضمحلال کشانده‌اند، است پس با رستاخیز می‌توان به هدف سعادت انسانی رسید (قراردادهای اجتماعی). دیدرو هم انسان‌گرایی را بر اصل تجربه برونی و درونی انسانی برحسب تجربه فیزیولوژی که به ماده‌گرایی نزدیک است پایه نهاد. بدین ترتیب هر یک به نوعی درک خود را از انسان‌گرایی اما با همان نشانه‌های "نامه‌های ایرانی" گسترش دادند. منتسکیو بیشتر راه مسالمت آمیز انتخاب کرد و به جنبه‌های آموزش از طریق ایجاد روابط صحیح اجتماعی پرداخت (Barrière P., Ibid., 332).

به صورتی دیگر باید گفت که "نامه‌های ایرانی" وظیفه نویسندگان و روشنگران را در این سحرگاهان عصر روشنگری متذکر شد: زحمت و مرارت بر روی ساختار اجتماعی برای کسب آزادی بر طبق قوانین وضع شده توسط نمایندگان مردم (نامه ۹۰). در واقع منتسکیو پیکره فیزیکی اجتماعی و سیاسی را بر پایه قوانین که برخاسته از طبیعت موضوعات است، بنیان گذارد که این اساس اثر جهانی "روح القوانین را در موضوعات" انقلاب جامعه‌شناسی‌اش (montesquieu, œuvres complètes. 1949, Pléiade)

جای داد. از "نامه‌های ایرانی" به بعد قیاس و تطبیق همراه هجو، بنا بر خوش‌آمد عامه با روحیه آزاداندیشان گره خورد و در خدمت فلسفه قرار گرفت. ولتر، روسو (امیل، هلوئیز جدید) و دیدرو (جواهرات بی پروا، برادر زاده رامو) بطور صریح و بی‌پرده در رمان‌های خود خواهان آزادی فردی، اشاعه دانش و فرهنگ انسان‌گرایی در تمام طبقات در راه اعمال سیاست پارلمانی برای ایجاد استحکام در بنیه اجتماعی شدند.

تزلزل در شناخت

آیا باید بر تزلزل شناخت منابع شرق منتسکیو، که بسیار تحت تأثیر اطلاعات شرطی شده جهانگردان و اکتفا به نقل قولها در مقطعی خاص درباره ایران، - مثل تاریخ گذاری بالای نامه‌ها برای نوعی معادل‌سازی تقویم هجری، شمسی و میلادی "پانزدهم صفر ۱۷۱۱" (نامه اول) - نقدی نوشت و یا نام شخصیت‌ها که از رمان هزار و یک شب که در اصل بیشتر تاتاری است (ازبک، ریکا و...) صحبتی به میان آورد؟ همان طور که حرمسرا ظاهراً برای خلق فضای درام شرقی است که برای جذب سالنهای ادبی و جذب عامه بوده است. جدایی ازبک از خانواده هشت سال طول می‌کشد ولی بین نامه‌ها گاهی سکوت شش ماهه است و گاهی اتفاق می‌افتد که ماهها می‌گذرد و خبری از حرمسرا نیست. روی ۱۶۱ نامه فقط در حدود چهل نامه آن واقعاً مربوط به ایران می‌شود که اتفاقاً در همین قسمت تناقض بسیار به چشم می‌آید. حضرت علی را با حضرت محمد اشتباه می‌گیرد (نامه ۹۴)؛ قانون چهار همسری اسلامی را برای ازدیاد جمعیت مفید می‌داند (نامه ۱۱۴)، در حالی که وجود حرمسرا را منسوخ و غیراخلاقی می‌انگارد. برای تجسم زندانی مخوف با عدم شناخت آداب و سنن و فرهنگ ایرانیان و بدون تجربه شخصی می‌خواهد خود را روانشناس شرق قلمداد کند. در مورد همین تزلزل صحت ساختار فضای ایرانی است که کیوا می‌گوید: "انقلاب جامعه‌شناختی منتسکیو باید توسط رمان صورت می‌گرفت" یعنی نقد جامعه فرانسه در تقابل با جامعه

شناختی کشور دیگری" از دید خارجیان. حتی جامعه‌شناسان مدرن چون پروفیسور مالینوفسکی یا دکتر دینسه جامعه خود را بدین نحو به نقد نکشیدند (Montes.L.P. Caillois, 14). رمان فلسفی "نامه‌های ایرانی" توسط کسی نوشته شد که بانی آموزش تطبیقی ساختارهای اجتماعی و رژیم‌های سیاسی (Commentaire Gusdorf. 342) (Montesqieu, 1973, است.

پس بیشتر باید جسارت منتسکیو را در طراحی این رمان مورد ستایش قرار داد. حتی منتقدین معتقدند که چه بهتر که تسریع بخرج داد، چون همین تسریع بصورت رمان بیشتر عامه را هوشیار کرد (Montes.,Caillois,Ibid). منتسکیو با قطعات آماده اطلاعاتی بدست آمده، آن پلی را که به صورت نظریه در روح‌القوانین بین شرق و غرب ایجاد کرد، اینجا برای آماده سازی افکار بصورت رمان مکاتبه‌ای هجوآمیز ابداع می‌کند. این مسئله از تمام تناقض گویی‌ها و ناسازی‌ها بر ملاست. در واقع او آموزشی را که امروزینام فرهنگ موزائیک (Moles Abraham, 1969,Communication14.) (139). برای هوشیاری توده پیشنهاد می‌شود. - یعنی جمع آوری قطعات مشابه از فرهنگ‌های عامه و ارائه آن توسط رسانه‌های همگانی - را می‌خواهد با زبانی فلسفی تفهیم کند.

اما منتسکیو، به سبب محافظه کاری قلمی، بی‌تصمیمی در تفکر انتقادی، طرفداری از آزادی خواهی سنتی و حفظ منافع اشراف به علت وابستگی به آن طبقه مورد نقد قرار گرفت. ولتر و روسو و نویسندگان فرهنگستان را بر له خود واداشت، ولی بر حسب موقعیت زمان به نحوی طرفدار پیدا کرد که حتی همین منتقدین نیز بر پایه همان نحوه جمع‌آوری اطلاعات تاریخی و نقل قول‌ها واکنش نشان دادند و اشتباهات و ضد و نقیض‌گویی‌های اول قرن چه در مورد شرق و چه در مورد غرب تا انقلاب بنا بر پیشداوری‌ها ادامه پیدا کرد. آنقدر هوشیاری عامه و واکنش آنها در برابر نقد موضوعات اخلاقی مذهبی و سیاسی بر طبق یک سری از محفوظات تاریخی نزد فلاسفه مهم بود

که همه به کلی‌گویی بصورت پراکنده گفتمان‌های انتقادی را به منظور وضع قوانین بر طبق طبیعت انسانی ادامه دادند و نقل قول‌های جانبدارانه نادیده گرفته شد. اما زبان فرهیختگان بدور از تجربه ملموس، چنان سردرگمی میان عامه مردم بوجود آورد که هر کس بنا بر سلیقه خود در بزنگاه انقلاب، راه اصلاحات را در پیش گرفت (Barrière (Pierre, Ibid, 343.

نتیجه‌گیری

منتسکیو روشنگر متخصص قانون برای نفوذ آموزش انسان‌گرایانه به قلب جامعه، شوق را که در داخل جذابیت‌ها دور می‌زد و غرب را که با تربیتی سنتی و در حال افول با نگاه هجو به خارج وصل می‌شد، در رمان مقابل هم قرار داد. نامه‌ها را در سه موضوع مختلف بر طبق آن که بین این دو فضا کجا می‌چرخد، جای داد. در نامه‌های بیان‌کننده فرم رمان از نقطه نظر هجو که نگاه ایرانی است، تمام جزئیات زیر ذره‌بین، و سطح قیاس بهتر از منطق شناخته می‌شود. نامه‌های احساسی از حرمسرا وسیله ابراز آرمان‌گرایی درونی پر التهاب، نقش احساسات انسانی ناآشنا که شکل نامه را بخاطر مسافت راه بدون وقفه افسانه‌ای جلوه‌گر می‌کند و اجازه می‌دهد احساس شدت عمل بیشتری داشته باشد و موجودیت بالقوه را درام آفرینی کند. نامه‌های بحث آفرین فلسفی که موضوعاتی مذهبی و سیاسی را به نقد می‌کشند و بطور پراکنده در میان نامه‌ها قرار می‌گیرند. این دسته نقش میانجی‌گر دارند. دقیقاً بخاطر آن که بحث فلسفی خارج از هیجان‌ات روحی و درخواست‌های روحی که پیوندها را نفی می‌کند مخاطب خاص را نمی‌طلبند و احتیاج به ردوبدل زنجیره‌وار ندارند.

منتسکیو برای نفوذ دادن فلسفه انسان‌گرایی که نیاکانش چون دکارت و پاسکال در قرن هفده توصیه کرده بودند، تحت تأثیر تاریخ و قانون برای به گردش در آوردن پیشرفت، ارائه درس‌های عملی را از طریق مقایسه مضامین سرنوشت ساز فرهنگ‌ها در

غالب رمان شرقی - فلسفی ارائه داد. چنان هم عصران خود را متأثر ساخت که همگی برای جلوگیری از افول جامعه، آرمان انسانگرایی را بصورت کلی، نظری و علمی سر منشأ رمانهای خود قرار دادند. فیلسوف همزمان او چون ولتر و بعد جوانترها مانند روسو و دیدرو هر کدام بر حسب محیط و تعلیماتشان اصل مطالب را باز هم به کمک شرق و بخصوص ایران بیشتر به زیر ذره بین بردند. از آنجا فشار قدرتهای مطلقه را با دادن درس‌های اطاعت از طبیعت انسانی و پرهیز از خرافات و هر آنچه ضد طبیعت انسانی است نفی کردند. در واقع آنچه اهمیت داشت درک محیط برای برقراری توازن میان رمان هجوآمیز مردم‌پسند و موضوعات آرمانی فلسفی برای انسان سازی بود. منتسکیو هسته موجودیت افسانه را به اندازه کافی متراکم ساخت تا جایی که خواننده مجبوره ارتباط سه قسمت اخلاقی، مذهبی و سیاسی شود. ارتباطی نامطمئن اما پر انرژی، زیرا قدرت نقد را توانست در سبک رمان برجسته بنمایاند. همین نکته است که از تاریخ انتشار نامه‌ها به بعد، باعث بکارگیری قلم‌های زیادی شد و نقد دوران جدید را برانگیخت. چه معنی در این "زنجیر اسرار آمیز و به صورتی ناآشنا" که بر طبق گفته خود منتسکیو "فلسفه سیاست و اخلاق را به رمان مرتبط می‌سازد" باید جستجو کرد؟ باید گفت که فضای شرقی، نه با حرمسرا که تحلیل فضای روانشناختی افراد توطئه‌گر آن در سطح قرار می‌گیرد و نه با اسرار و استعارات که شرق و غرب را در موضوعات انسانی به هم ربط می‌دهد و نه با موضوعات نا آشنا باید جستجو کرد. بلکه آنچه که در طول سفر دو ایرانی درباره جهان و عقاید کشف می‌شود نظام معرفتی: پایداری در مقابل پیشداوری همان که مونتینی در "تبعات" در مورد کمبود شناخت اساسی اروپاییان در مورد ارزش‌های سرزمین‌های دیگر نوشت و باعث بحران فکری غربی شد. یعنی بهم زدن افکار خود محوری روشنفکرانه و جای‌گزینی آن با تکیه بر فلسفه گالین مبتنی بر نسبیت وضعیت آب و هوا بر اخلاقیات و در نظر گرفتن وضع قراین بر پایه این که در روح‌القدس بر آن اصرار ورزید.

منتسکیو تمام سعی‌اش بر این بود که چطور می‌توان دیگری شد و چطور باید این حس را در خود پروراند که با او بخاطر اختلافش دشمنی نکرد؟ و به همین منوال انتقاد از غرب و درس کنترل التهابات درونی، پایداری در مقابل واهیات را با کلمات و اشیاء و اشخاص زنجیره‌وار به زمین و زمان، زن و مرد، شاهزاده و رعیت، شرق و غرب، تفکر و احساس، فرمان و طغیان انسانی وصل کرد. از این رو بسیار مشکل است بتوان تفاوتی میان موضوعی ویژه و تفکر جهانشمول منتسکیو گذاشت. حتی در ۱۷۸۹ بزنگاه انقلاب همچنان آرمان جهانشمول انسانی بطور شفاف بر ملا نشد زیرا تفاوت گفتمان میان فرهنگ فرهیختگان و فرهنگ توده مردم بود. دیدگاه مکتبی تھی از تجربه علمی زمان همراه ضد و نقیض‌گویی‌های وارداتی آرمانی ولی علوم و منطق عقلانی از این به بعد وضع دنیای بهم تنیده سنتی قدیمی تحت تأثیر اعتقادات در خرافات را روشن می‌کرد. سه بخش مهم حکومت، آموزش و جهان کار دنیای قدیم را به جلو سوق داد. سیاست و مذهب راه درازی در پیش داشتند، اما آموزش و پرورش از خدمت فقط به خواص درآمد ملی اعلام شد (Barrier P., 309).

آغاز قرن ۱۹ را باید عصر مدرن، عصر آغاز انسان‌شناسی نامید (فوکو، ۱۳۷۸: ۵۳). رمان مردمی حاکی از توان ابراز احساسات و گرفتاریهای شخصی در بسیاری از اوقات برای آموزش جمع به تئاتر پیوست، همان طور که موسیقی کلاسیک و اپرا مردمی شد. نمایش تصویری تمدن‌ها بعدها غربی‌ها را به خارج شدن از پوسته عزلت خوش‌نشینی و کشف خودازمیان‌انسان‌دوستی دعوت کرد. شناخت جمع‌گرایی فرهنگی، پله اول به سوی رودررویی و شناخت فرهنگ‌های متفاوت البته منجر به تأسیس یونسکو در قرن بیستم شد، اما پیشرفت آن در مقایسه با مسیر القا شده توسط "نامه‌های ایرانی" هنوز بسیار کند ارزیابی می‌شود. فقط از ۱۹۷۵ است که اهمیت آموزش غیر رسمی و اصل شناخت آن با تفاوت‌گذاری میان فرهنگ توده و فرهنگ فرهیخته و شناخت چند فرهنگی در انسان بطور فلسفی کاوش می‌شود (Derrida, 1991, 24).

شناخت ایران هم با "نامه‌های ایرانی" هر چند ناقص بر سر زبانها افتاد، اما در سحرگاهان انقلاب (۱۷۹۵) مجلس مؤسسان دستور تأسیس مدرسه ویژه زبانهای شرقی را داد و تحقیقات جدی برای شناخت ایران، زیر نظر شرق‌شناسان شروع شد، که البته هنوز هم کوشش‌ها برای شناخت این کشور ادامه دارد.

منابع

- فوکو، میشل. (۱۳۷۸)، *دانش و قدرت*، ترجمه: محمد ضمیران، انتشارات هرمس.
- حدیدی، جواد. (۱۳۷۳)، *از سعدی تا آراگون*، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- Althusser, Louis. (1974). *Despote et monarque chez Montesquieu la politique et l'histoire*, ed.P.U.F.
- Atkinson, Geofroy. (1927). *les relations des voyages auXVII ème siècle et l'évolution des, idées.Contribution à l'étude de la formation de l'esprit du XVIII ème siècle* Paris.
- Barrière, Pierre. (1974). *la vie intellectuelle en France*, edition Albin Michel, Paris.
- Bernier, François. (1718). *Histoire de la dernière révolution des Etats du Grand Mogol*, Amesterdame, 2 vol.
- Boulanger(N). (1773). *Recherches surl'origine du despotisme oriental*;SI.
- Diderot, Denis. (1877). *Les œuvres complètes*, Paris Garnier.

- Dagen (P.). (1987). *La chaine des raisons dans les Lettres Persanes, Littérature*, septembre.
- Delbos (G). Jorion (P). (1984). *La transmission des savoirs*, Paris,éd.la maison des sciences de l'homme.
- Derrida (Jacques): *L'autre cap*, Paris,éd.Minuit, 1991 (Education in formelle) www.culture.gouv.fr/culture/politique-culturele/c.pdf
- Delon, P. (1977). *Un mond d'eunnuques* ,Europe,n°574, Fev.
- Ehrard (J.). (1970). *La signfication politique des Lettres Pesanes*, Minard.
- Chardin (Jean). (1811). *Les voyage en Perse et quatre lieux de l'Orient*, Nouvelle édition par L.Langlès,Paris,10vol. Et un atlas
- Chopard, Marie Héléne. (1999). *Le monde des lumières*,Paris.
- Flandrin , Jean Louis. (1984). *Familles*,édition du seuil.
- Foucault, Michel. (1971). *L'ordre et du discours*,Gallimard.
- Geffriaud Rosso (Janette). (1977). *Montesquieu et la féminité*,Pisa, Paris
- Goldzink, Jean. (1989). *Charles -Louis de Montesquieu Lettres Persanes*, PUF.
- Montesquieu (1951). *Oeuvres complètes*,textes présenté par Roger. Caillois, Bibliothèque de la Pléiade,2vol,Paris.
- ----- (1972). *Lettres persanes*,Textes établis avec introduction et commentaires de George Gusdrof, librairie générale française.
- ----- (1929). Textes établis par Elie Carcassone, Paris vol 2.
- ----- (1975). par P.Vernière,Garnier,1960,reédité en.

- Martino, Pierre. (1906). *L'Orient dans la littérature française*, Hachette.
- Mols, Abraham. (1969). *Sociodynamique*, Communication 14.
- Pain (A). (1990). *Education informelle* : les effets formateurs dans le quotidien, collection Défi-formation, Paris.
- Rousseau (J.J). (1959). *oeuvre complètes*, Paris, bibliothèque de la Pléiade. Vol 4.
- Starobinski (J.). (1958). *Montesquieu par lui même*, Seuil.
- Shakelton (R.). (1977). *Montesquieu*, Une biographie critique. Presse Universitaire de Grenoble.
- Valery, Pierre. (1930). *Préface aux Lettres Persanes*, Variété II .
- Villemagne C. (2005). *L'éducation relative à l'environnement* Montréal.
- Vincezo, Ferron. (1999). Danielle Roche, *Le monde des lumières*, Paris, Fayard.
- Voltaire. (1734). *Les Lettres Philosophiques*.
- ----- . (1769). *Lettres d'Ambad*.
- ----- . *Lettres chinoises, Indiennes et Tartares*... par un bénédictin.
- ----- . (1963). *Essai sur les Moeurs*, Ed. Garnier, Paris, vol 2.
- www.vertigouqam.ca/carine-villemagne.htm